

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





http://jlr.sdil.ac.ir/article_43941.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۳، بهار - تابستان ۱۳۸۷
صفحات ۲۰۹ الی ۲۱۹، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۵/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۴

تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در پرتو مقررات کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت

الهام یوسفیان*

چکیده: با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حقوق اشخاص دارای معلولیت، تلاش جامعه معلولان ایران برای پیوستن کشورمان به این کنوانسیون وارد مرحله تازه‌ای شده و در حال حاضر، لایحه ارجاعی از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی، توسط مجلس تصویب گردیده است. اما در صورتی که این امر مورد تأیید شورای نگهبان قرار گیرد و ایران نیز در شمار دولت‌های عضو کنوانسیون درآید، ایجاد طیف گسترده‌ای از تغییرات از جمله اصلاح قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. متأسفانه در قانون مزبور، حقوق مدنی و سیاسی اشخاص دارای معلولیت به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفته بلکه صرفاً به پیش‌بینی برخی مزایای اقتصادی و اجتماعی برای این قشر بسنده شده است. به عبارت دیگر، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران بیش از آنکه قانونی حق‌محور باشد و بر شناسایی و تضمین حقوقی برابر با افراد عادی تأکید کند، نگاهی رفاهی به موضوع دارد. از سوی دیگر، همین قانون نه چندان جامع و نیازمند اصلاح نیز تاکنون جز در موارد محدود و آن‌هم به‌طور نسبی به مرحله اجرا درنیامده اما علت این ناکامی را نیز می‌توان تا حدی در خود قانون جستجو کرد. عدم توجه کافی به نقش افزایش آگاهی مردم و مسوولان و بویژه خود افراد معلول در ارتقاء حقوق آنان و نیز فقدان ساز و کارهای

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

اجرایی و نظارتی منسجم، منظم و مستقل جهت اجرا و نظارت بر مقررات حمایتی مزبور، تأمین اساسی‌ترین حقوق و آزادی‌های انسانی را برای معلولان کشور دشوار ساخته و به نظر می‌رسد که اصلاح قانون و توجه به موارد مذکور می‌تواند آن را تسهیل نماید.

کلیدواژه‌ها: قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، کنوانسیون بین‌المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت، عدم تبعیض، ارتقاء سطح آگاهی‌ها، سیستم اجرا و نظارت

۱. مقدمه

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران، که در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، در حال حاضر مهم‌ترین سند حقوق داخلی ایران در زمینه حمایت از اشخاص دارای معلولیت محسوب می‌شود. تردیدی نیست که این قانون بزرگ‌ترین دستاورد حقوقی معلولان ایران محسوب می‌شود و اجرای مفاد آن، که در حال حاضر در برخی زمینه‌ها با مشکلات جدی مواجه است، می‌تواند شرایط زندگی جامعه چند میلیونی معلولان ایران را بهبود بخشد.

از سوی دیگر، با تصویب کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حقوق اشخاص دارای معلولیت توسط مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷/۹/۱۳) و به احتمال زیاد تأیید آن توسط شورای نگهبان، مسأله انطباق قوانین و مقررات داخلی و از جمله قانون جامع با مفاد کنوانسیون به‌طور جدی مطرح می‌باشد.

حقیقت این است که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران، علیرغم همه کاستی‌ها و خلأها، گام بسیار مهمی در اعتلای حقوق معلولان ایران محسوب می‌شود و بویژه از حیث توجه به مسائلی همچون مناسب‌سازی معابر و اماکن عمومی (ماده ۲)، اشتغال (ماده ۷) و آموزش (ماده ۸) حاوی نکات مثبت و ارزنده‌ای می‌باشد. با اینحال، اجرای مقررات مزبور نیز تاکنون با موفقیت چندانی همراه نبوده است و مسلماً قسمتی از این عدم توفیق، با انجام اصلاحاتی در متن قانون و آئین‌نامه‌های مربوط به آن امکان‌پذیر خواهد بود.

به همین جهت، در مقاله حاضر ضمن نگاهی نقادانه به قانون جامع حمایت از حقوق

معلولان، خواهیم کوشید خلأهای قانون را یادآور شده و اصلاحات ضروری را به منظور مطابقت هرچه بیشتر حقوق ایران با موازین بین‌المللی پیشنهاد نمائیم.

۲. حاکمیت دیدگاه رفاه اجتماعی و عدم ممنوعیت تبعیض بر اساس معلولیت

با بررسی تحولاتی که طی دهه‌های اخیر در عرصه حمایت از حقوق افراد معلول روی داده است، روشن می‌گردد که به‌طور کلی تاکنون سه دیدگاه متفاوت در این خصوص وجود داشته که هر یک به تناسب در برخی از اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق معلولان انعکاس یافته‌اند. نخستین دیدگاه به دیدگاه «رفاه اجتماعی» شهرت دارد که بر اساس آن، دولت باید برای معلولان امتیازات ویژه‌ای در نظر بگیرد تا آنان از وضعیت رفاهی، اقتصادی و اجتماعی مطلوبی برخوردار شوند و در تأمین نیازهای خود، با مشکلات کمتری مواجه باشند. این دیدگاه بویژه در دهه هفتاد میلادی طرفداران بسیاری داشت و به‌طور خاص در اعلامیه حقوق معلولان مجمع عمومی که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد انعکاس یافت.

به دنبال عدم توفیق این رویکرد در ارتقاء وضعیت حقوق افراد معلول، رویکرد جدیدی در این عرصه ظهور کرد که بر اصل «برابرسازی فرصتها» استوار بود. به موجب این نگرش، دولتها باید تمامی اقدامات تقنینی، اجرائی و قضائی لازم را به منظور برخورداری افراد معلول از فرصتهای برابر با سایر افراد جامعه انجام دهند و برای نیل به این مقصود، در صورت نیاز سیاستهای ترجیحی اتخاذ یا منابع بیشتری به این افراد اختصاص دهند. مجموعه قواعد استاندارد مربوط به برابرسازی فرصتها که در سال ۱۹۹۳ به تصویب مجمع عمومی رسید، عمیقاً تحت تأثیر این رویکرد بوده و حاوی نکات بسیار ارزشمندی در زمینه رفع تبعیض بر مبنای معلولیت می‌باشد.

تحولات بعدی موجب شد که رویکرد برابری فرصتها به صورت نگرش حقوق بشری تکامل یابد و حقوق اشخاص دارای معلولیت نیز به‌عنوان بخشی از نظام کلی حقوق بشر و در کنار حقوق گروههای خاصی همچون زنان، کودکان و اقلیتها مورد توجه قرار گیرد. حاصل نگاه حقوق بشری به حقوق معلولان در قالب کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حقوق اشخاص دارای معلولیت متجلی شد که به‌عنوان نخستین سند الزام‌آور در این زمینه از سوم مه ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا گردیده است.

اما دقت در مفاد قانون جامع حمایت از حقوق ایران آشکار می‌سازد که این قانون به میزان زیادی تحت تأثیر دیدگاه رفاه اجتماعی تنظیم شده است و در اکثر قریب به اتفاق مواد آن، صرفاً پاره‌ای امتیازات برای معلولان در نظر گرفته شده بی‌آنکه به برابری آنها با سایر افراد جامعه و منع هرگونه تبعیض بر اساس معلولیت اشاره گردد. این در حالی است که با پیوستن احتمالی ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ایجاد تحولات کلی در این قانون و بویژه گنجاندن مقرر عدم تبعیض در آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در حقیقت، چنانکه در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمده، دولت‌های عضو باید اعمال هرگونه تبعیض بر مبنای معلولیت را ممنوع اعلام کرده و برخورداری از حمایت حقوقی برابر و مؤثر را برای افراد معلول تضمین نمایند. بنابراین، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران به جهت ممنوع اعلام نکردن تبعیض بر اساس معلولیت و در نظر نگرفتن اقدامات حقوقی که یک معلول قربانی تبعیض برای جبران خسارات وارد به خود می‌تواند انجام دهد، جداً مورد انتقاد است و استناد به منع تبعیض در قانون اساسی نیز خلأ مذکور را به نحو مناسبی پر نخواهد کرد.

۳. عدم توجه به حقوق مدنی - سیاسی

تقریباً تمامی حقوقی که به نوعی در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به آنها اشاره شده، از نسل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. در حقیقت، حقوق بنیادینی که در زمره حقوق مدنی و سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند و برخی از آنها در ارتباط با اشخاص دارای معلولیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، در قانون جامع هیچ جایی ندارند.

همچنین گروه‌های خاصی نظیر زنان و کودکان دارای معلولیت که اغلب از دو جهت مورد تبعیض قرار می‌گیرند و نیازمند حمایت ویژه هستند، به هیچ وجه در قانون مورد توجه قرار نگرفته‌اند این در حالی است که کنوانسیون بین‌المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت، مکرراً بر حمایت از این گروه‌ها تأکید کرده و مواد ۶ و ۷ خود را به ترتیب به زنان و کودکان معلول اختصاص داده است.

در خصوص کودکان دارای معلولیت ذکر این نکته ضروری است که از آنجا که ایران از سال ۱۳۷۳ به عضویت کنوانسیون حقوق کودک درآمد است، تمامی مفاد کنوانسیون بویژه

مواد ۲ و ۲۳ آن، که صریحاً کودکان معلول را مورد توجه قرار می‌دهد در کنار قانون جامع جزء نظام حقوقی کشور محسوب شده و برای دولت الزام‌آور می‌باشند. البته همانگونه که کمیته حقوق کودک نیز بیان داشته است، اختصاص ماده ۲۳ به کودکان دارای معلولیت به این معنا نیست که این کودکان از سایر حقوق پیش‌بینی شده در کنوانسیون بهره‌مند نمی‌باشند بلکه چنانکه از ماده ۲ (منع تبعیض بر اساس معلولیت) برمی‌آید یک کودک معلول باید از تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون حقوق کودک برخوردار گردد و هیچ کودکی را نمی‌توان به استناد معلولیت از تمام یا برخی از این حقوق به‌طور کامل یا نسبی محروم ساخت.

یکی از مهمترین حقوقی که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران از آن غفلت نموده است «حق بر تشکل» و نیز حق مشارکت اشخاص دارای معلولیت در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی است که به نوعی بر زندگی آنها اثر می‌گذارد. تجربه نشان داده است که داشتن تشکل‌های فعال و پیشرو، می‌تواند تأثیر عمیقی بر ارتقاء حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه داشته باشد و هر میزان که نمایندگان واقعی معلولان در فرایند قانونگذاری، اجرا و نظارت بر مقررات مربوط به خود دخالت داده شوند، سرعت تحول در این زمینه بیشتر و کیفیت تحولات مزبور مطلوبتر خواهد بود.

به همین جهت، ماده ۴ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت در مقام بیان تعهدات کلی دولتهای عضو در بند ۳ خود دولتها را متعهد می‌سازد که سازمانهای نماینده افراد معلول را در روند اجرای کنوانسیون و نیز در سایر تصمیم‌گیری‌های مربوط به آنان، مورد مشورت قرار داده و زمینه دخالت فعال آنان را فراهم سازند. همچنین ماده ۲۹ کنوانسیون دولتها را موظف می‌کند که علاوه بر زمینه‌سازی مشارکت افراد معلول در تشکلهای و سازمانهای غیردولتی خاص خود، این امکان را فراهم سازند که این افراد، بدون اعمال هرگونه تبعیض، در سایر تشکلهای سیاسی و اجتماعی در کنار افراد عادی عضویت یافته و به فعالیت بپردازند.

متأسفانه حقوق سیاسی افراد معلول نیز به شدت مورد بی‌توجهی قانون جامع واقع شده است و هیچ مقرره‌ای برای حمایت از آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن این افراد در قانون جامع وجود ندارد بلکه در مقابل، بر طبق ماده ۲۸ قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران، افراد نابینا نمی‌توانند برای تصدی نمایندگی مجلس نامزد شوند. بدیهی

است که در صورت الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، با توجه به روح کلی حاکم بر کنوانسیون و بویژه ماده ۲۹ آن، قانون انتخابات باید اصلاح و آزادی انتخاب شدن افراد معلول در قوانین و مقررات کشور تضمین گردد.

۴. فقدان ضمانت اجرای کافی و مؤثر

شاید یکی از مهمترین دلایل عدم اجرای مطلوب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، عدم پیش‌بینی نهادها و مکانیسم‌های لازم جهت پیگیری و نظارت بر اجرای مفاد آن باشد. در حالی که وجود ساز و کارهای اجرائی و نظارتی ضابطه‌مند و مؤثر در زمینه قوانین حمایتی اهمیتی هم‌ردیف و یا شاید بیش از محتوای قوانین مزبور دارد.

قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران بدون تعریف یک مکانیسم جامع و منسجم برای نظارت بر تأمین حقوق پیش‌بینی شده در آن، صرفاً در دو ماده به مطالبی می‌پردازد که به نوعی می‌توان آنها را به‌عنوان مکانیسم نظارتی توصیف نمود.

بر طبق تبصره ۳ ماده ۲ که به موضوع مناسب‌سازی اختصاص دارد، «سازمان بهزیستی کشور مجاز است بر امر مناسب‌سازی ساختمانها و اماکن دولتی و عمومی دستگاههای مذکور در ماده فوق نظارت و گزارشهای اقدامات آنها را درخواست نماید».

علاوه بر این، ماده ۱۵ قانون جامع نیز با پیش‌بینی امکان شرکت رؤسای بهزیستی استانها در جلسات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و گروههای کاری آن به‌عنوان عضو، و نیز اجازه شرکت رئیس سازمان بهزیستی کشور در جلسات شورای عالی اشتغال، تلاش نموده تا زمینه اجرای مفاد قانون جامع را فراهم کند.

برخی از مسؤولان با الهام از این مقررات، در پاسخ به این پرسش که نهاد و مکانیسم ناظر بر قانون جامع در نظام حقوقی ایران چیست به سازمان بهزیستی اشاره کرده و معتقدند که حتی در صورت الحاق ایران به کنوانسیون حقوق افراد معلول، سازمان مزبور می‌تواند این نقش را بر عهده گیرد. اما در این خصوص چند نکته قابل توجه می‌باشد:

نخست آنکه در تبصره ۳ ماده ۲ و در هیچ‌جای دیگر قانون یا آئین‌نامه‌های مربوط به آن دقیقاً مشخص نشده که سازمان بهزیستی از چه طریق و با اعمال چه اختیاراتی می‌تواند بر اجرای تعهدات مربوط به مناسب‌سازی نظارت کند و مثلاً در صورتی که وزارتخانه یا سازمان مورد نظر از ارائه گزارشهای مورد درخواست خودداری نمود یا اصولاً

اقدامی در جهت اجرای تعهدات خود انجام نداد، بهزیستی چگونه و با اعمال چه تدابیری می‌تواند موجبات اجرای آن را فراهم سازد.

گذشته از این، اصولاً این مسأله جداً محل تردید است که سازمان بهزیستی کشور با توجه به طیف گسترده و بسیار متنوع وظایفش بتواند متولی مناسبی جهت انجام تکلیف نظارت بر اجرای قانون جامع باشد. در حقیقت، اجرای بسیاری از مفاد قانون جامع در حوزه صلاحیت خود سازمان بهزیستی است و بنابراین چگونه می‌توان عنوان مجری و ناظر را در آن جمع نمود و انتظار داشت که مفاد قانون به‌زودی و به درستی جامه عمل بپوشند. در واقع، نتیجه فقدان مکانیسمهای اجرائی و نظارتی مناسب را می‌توان بخوبی در تنوع و بعضاً تعارض رویه‌های موجود مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، ماده ۴ که امکان استفاده معلولان را به صورت نیم‌بها از امکانات تفریحی، ورزشی و وسایل حمل و نقل در نظر گرفته، به صورت نسبی و موردی اجرا می‌شود به این معنا که برخی شرکتها اصولاً اختصاص بلیط نیم‌بها به معلولان را می‌پذیرند و برخی دیگر به استناد عدم تأمین اعتبار از اجرای آن سر باز می‌زنند و حتی در مورد شرکت‌های دسته اول نیز برخی از آژانسها با آگاهی از این قانون با معلولان همکاری می‌کنند و برخی دیگر این امکان را فقط مخصوص گروه خاصی از معلولان می‌دانند.

الگوی مناسب برای رفع نقیصه موجود را می‌توان در ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت یافت. این ماده با تفکیک کامل بحث اجرا از موضوع نظارت، در بند ۱ خود دولت‌های عضو را موظف ساخته است که با توجه به نظام داخلی خود و در چارچوب دولت، یک یا چند نهاد مرکزی را جهت مسائل مربوط به اجرای کنوانسیون در نظر بگیرند و همچنین به استقرار یا طراحی یک مکانیسم هماهنگی به منظور تسهیل اقداماتی که در حوزه‌ها و سطوح مختلف در خصوص حقوق اشخاص دارای معلولیت صورت می‌گیرد، توجه کافی مبذول دارند.

در کنار این مکانیسم اجرائی که باید در چارچوب و برخوردار از حمایت دولت باشد، بند ۲ ماده ۳۳ نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون را به مکانیسمهای خارج از سیستم دولت می‌سپارد و دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد که با توجه به سیستم تقنینی و اجرائی خود، در کشور چارچوب خاصی را مرکب از یک یا چند مکانیسم «مستقل» به منظور تشویق، حمایت و نظارت بر اجرای کنوانسیون طراحی و ایجاد نمایند و یا در صورتی که

چنین مکانیسم‌هایی از پیش وجود داشته‌اند آنها را حفظ و تقویت کنند. «دولتها در هنگام طراحی و ایجاد مکانیسم‌های مزبور باید اصول مربوط به وضعیت و کارکرد نهادهای ملی مسؤول حمایت و ارتقاء حقوق بشر را در نظر بگیرند».

همانطور که بیشتر اشاره شد، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران نقش سازمانها و تشکلهای غیردولتی معلولان را در ارتقاء حقوق آنها مورد بی‌توجهی قرار داده است. اما بند ۳ ماده ۳۳ کنوانسیون با درک اهمیت فوق‌العاده این امر، مقرر داشته است که «جامعه مدنی و بویژه اشخاص دارای معلولیت و نمایندگان آنها باید به‌طور کامل در فرایند نظارت دخالت و مشارکت نمایند».

۵. در نظر نگرفتن جایگاهی مناسب برای ارتقاء سطح آگاهی عمومی

حقیقت این است که علت بسیاری از ناکامی‌های موجود در دستیابی افراد معلول به پایگاهی شایسته، فقدان آگاهی لازم در خصوص توانمندی‌ها و نیازهای آنان می‌باشد. به عبارت دیگر، شاه‌کلید حل بسیاری از مشکلاتی که هم‌اکنون جامعه معلولان دچار آن است افزایش سطح آگاهی عمومی می‌باشد. این موضوع همواره در اقداماتی که به منظور اعتلای حقوق معلولان صورت گرفته مد نظر بوده‌است. برای مثال، تدوین‌کنندگان مجموعه قواعد استاندارد مربوط به برابرسازی فرصتها برای اشخاص دارای معلولیت که در ۱۹۹۳ در مجمع عمومی ملل متحد، با درک نقش یک جامعه آگاه در تأمین فرصتهای برابر برای معلولان آن جامعه، افزایش آگاهی را اولین پیش‌شرط مشارکت یکسان افراد معلول دانسته و نخستین قاعده از آن مجموعه را به بحث افزایش آگاهی‌ها اختصاص داده‌اند. کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص دارای معلولیت نیز در ماده ۸ خود به تفصیل این مسأله را مورد بحث قرار داده و تعهداتی را بدین منظور بر عهده دولتهای عضو نهاده است. از خلال این مقررات و نیز سایر اسناد موجود می‌توان به این نتیجه رسید که به‌طور کلی، ارتقاء سطح آگاهی‌ها باید در دو عرصه مهم صورت پذیرد: نخست افزایش سطح آگاهی خود اشخاص دارای معلولیت در خصوص حقوق و قابلیت‌های آنها و دوم افزایش آگاهی عموم مردم نسبت به معلولیت و نیازها و توانمندی‌های این افراد و میزان مشارکت آنها در ابعاد گوناگون زندگی.

در خصوص بعد نخست، توجه به این نکته لازم است که علت اصلی محرومیت افراد

معلول از بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین، ناآگاهی خود این افراد از جایگاهی است که جامعه باید در اختیارشان قرار دهد. خوداتکائی و توانمند شدن فرد معلول که نتیجه آگاهی وی از حقوق و استعدادهای خویش است، این امکان را فراهم می‌سازد که چنین فردی بتواند از فرصتهایی که جامعه برایش فراهم ساخته است بیشتر بهره‌مند گردد. همانگونه که قاعده اول از مجموعه قواعد مربوط به برابرسازی فرصتها پیش‌بینی کرده افراد معلول باید از برنامه‌ها و خدماتی که برای آنها در نظر گرفته شده است آگاهی یابند و این بر عهده مسؤولان امر است که اطلاعات به روز را در این مورد در اختیار آنها بگذارند. البته این اطلاعات باید به شکلی به اشخاص دارای معلولیت ارائه شود که برای آنها قابل استفاده باشد.

جنبه دوم آگاه‌سازی، به ارتقاء سطح آگاهی خانواده‌های افراد معلول، افراد و مقاماتی که به نوعی ممکن است در حرفه خود با معلولان در ارتباط قرار گیرند و نیز عموم مردم مربوط می‌شود. چنانکه از ماده ۸ کنوانسیون برمی‌آید این اقدامات باید در جهت تحقق این اهداف برنامه‌ریزی و سازماندهی شوند: افزایش احترام عمومی نسبت به حقوق و کرامت ذاتی افراد معلول، مبارزه با باورهای غلط و رویه‌های نادرستی که در عرصه‌های مختلف زندگی در مورد افراد معلول و بویژه زنان و کودکان معلول وجود دارد و سرانجام آگاه ساختن جامعه از استعدادهای و میزان مشارکتی که یک فرد معلول می‌تواند در رشد جامعه داشته باشد.

در توجیه اهمیت افزایش آگاهی عمومی بر رفع مشکلات افراد معلول ذکر همین نکته کافی به نظر می‌رسد که با گسترش خصوصی‌سازی و واگذاری بیش از پیش سازمانها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، دیگر نمی‌توان مسأله اشتغال معلولان را با قوانینی نظیر اختصاص سه درصد از سهمیه استخدام مراجع دولتی به آنها (بند «الف» ماده ۷ قانون جامع) حل نمود. مزایای تشویقی نظیر تأمین حق بیمه سهم کارفرما (بند «ب») و پرداخت تسهیلات اعتباری در ازای استخدام معلولان، بر فرض که به‌طور کامل انجام شود، نیز به تنهایی راهگشا نیست. زیرا تا زمانی که کارفرمایان خصوصی کارایی و توانمندی فرد معلول را باور نداشته باشند و به او به چشم موجودی قابل ترحم یا باری بر دوش اجتماع بنگرند، هرگز به معنای واقعی شغلی را به وی واگذار نخواهند نمود و بدیهی است که اصلاح اینگونه نگرشها صرفاً از طریق ارتقاء سطح آگاهی عمومی در مورد افراد معلول

امکان‌پذیر است.

متأسفانه جنبه نخست یعنی افزایش آگاهی خود افراد معلول به هیچ وجه در قانون جامع ما مورد توجه قرار نگرفته است. در حقیقت، تنها یک ماده (ماده ۱۲) در این قانون وجود دارد که می‌توان به نوعی آن را به این موضوع مرتبط دانست. بر اساس این ماده:

«سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است حد اقل دو ساعت از برنامه‌ها را در هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی‌های معلولان اختصاص دهد».

مهمترین نکته‌ای که در خصوص این ماده باید مورد توجه قرار داد این است که برنامه‌های مورد نظر باید تمامی فعالیت‌های سازمان بهزیستی کشور را دربر گیرد و چنانکه مسلم است فعالیتهای این سازمان طیف بسیار گسترده‌ای را از ارائه خدمات به سالمندان تا کودکان بی‌سرپرست و زنان سرپرست خانوار شامل می‌شود. بنابراین، به هیچ وجه مشخص نیست که چه میزان از این برنامه‌ها باید به معرفی معلولان و حقوق آنان به مردم اختصاص یابد. علاوه بر این، در ماده مورد بحث اهدافی که برنامه‌های مزبور باید دنبال کنند به هیچ وجه تشریح نشده و از این حیث فاصله قابل توجهی با مقررات بین‌المللی مشابه دارد.

موضوع دیگری که در برنامه‌ریزی جهت افزایش آگاهی در مورد افراد معلول باید مورد توجه قرار گیرد ابزارها و راهکارهایی است که بدین منظور می‌تواند مورد استفاده واقع شود. تشویق همه رسانه‌های گروهی اعم از رادیو و تلویزیون، سایتهای اینترنتی و مطبوعات به نشان دادن چهره‌ای مثبت و مؤثر از یک فرد معلول، اجرای حرکت‌های گسترده جهت آشنا کردن مردم با این افراد به مناسبت‌هایی همچون روز جهانی معلولان، آموزش به کودکان از سالهای نخست تحصیل در خصوص حقوق معلولان و ضرورت احترام به شخصیت آنان و نیز برگزاری برنامه‌های آموزشی جهت گروه‌هایی نظیر معلمان، خدمه پرواز، مأمورین پلیس و غیره در مورد نحوه صحیح برخورد با یک فرد معلول همگی مواردی هستند که می‌توانند در این راه مفید باشند و پیشنهاد می‌شود که در قانون جامع نیز پیش‌بینی شوند.

۶. نتیجه گیری

مقایسه مفاد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران با استانداردهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون بین‌المللی مربوط به حقوق اشخاص دارای معلولیت، روشن می‌سازد که قانون جامع، هرچند در نوع خود گام مهم و ارزشمندی در راه اعتلای حقوق ایرانیان دارای معلولیت محسوب می‌شود، نیازمند اصلاح و تجدید نظر کلی در بسیاری از موارد می‌باشد. فقدان یک مقرر کلی که اعمال هرگونه تبعیض از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی و عمومی را بر مبنای معلولیت منع نماید، عدم توجه به حقوق بنیادینی که در نسل حقوق مدنی و سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند و بعضاً به شدت در ارتباط با اشخاص دارای معلولیت نقض می‌گردند، غفلت از گروههای خاص و آسیب‌پذیر نظیر زنان و کودکان دارای معلولیت، در نظر نگرفتن جایگاهی مناسب برای نظرات و دیدگاههای اشخاص دارای معلولیت و نمایندگان آنها، عدم پیش‌بینی مکانیسمهای اجرائی و نظارتی مجزا و منطبق با معیارهای بین‌المللی و غافل شدن از تأثیر غیرقابل انکار افزایش آگاهی‌های عمومی بر حل مسائل افراد معلول در جامعه، از جمله مهمترین خلأهایی است که در قانون جامع وجود دارد.

مسلماً در صورتی که تصویب کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت توسط مجلس شورای اسلامی به تأیید شورای نگهبان برسد، تجدیدنظر در این قانون و نیز سایر قوانین و مقررات مغایر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و چه بسا تصویب قانون جدیدی با «جامعیت» بیشتر نیز ضروری باشد.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code
(A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study